

اصفهان بازارچه حضرت امام زاده احمد مطبوعه
مدیر کل

اقاسراج الدین صدر حبیب عاملی الموسوی
دیر اداره

وکارنده میرزا محمد علی عیلم
ناظم و تحویلدار

اقا میرزا محمد سعید نائینی مدیر مطبوعه سعادت
عنوان مکاتبت و مراسلات مطبوعه سعادت
مراسلات بدون امضاء کافی نیست

انجمن مقدمه

تقدماً هفتصد و یک نفره انتشار داده
و بعد ایشاء الله تعالی بعد از
زیاد میشود هر یکشنبه طبع و
شنبه توزیع میگردد
بعون الله تعالی

اصفهان سایر ولایات داخله ایران
سالیانه عموماً
۵ اقران
۱ اشتراک
قیمت یک نسخه

چهارشاهی است قیمت اعلانات سطر
یکقران و در صورت تکرار تخفیف داده میشود

وجه اشتراک
پس از ارسال سه نسخه مطالعه میشود

تاریخ یکشنبه ۲۱ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۴ هجری قمری ۱۳ اردیبه ماه فروردین ۱۹۰۶ میلادی

این جریده مطلقاً آزاد است و از تمامی فواید و مصالح ملت و تسایح و مذاکرات انجمن متحدین ملی اصفهان و وقایع مهم آن
کونه مطلبی که راجع بمواد سیاسی و نیکی و تجارتی و اجتماع ملی بوده درج میشود و از هر قسم تحقیر و تینج در توسعه ایراد
و نوایس شریعت و قواعد تمدن و افکار و آراء ملت عموماً درج میشود بدون هیچ ملاحظه و مقالات و لواحق سفیده و امور
راجع به خیر و صلاح عامه و مطالب علمیه بموقع نیز مندرج خواهد شد

۵

بجهت تشریف و تزیین جریده صورت دستخطها بونی بضمی
از اصول قانون اساسی درج میشود **صورت فرستادن**
انکه مطابق فرمان سعادت بنیان بایونی مورخه ۱۴ مهر
جمادی الاخره از برای ترقی و سعادت ملک و ملت میباشد
مسانی دولت و اجرای قوانین شرع حضرت ختمی مرتبت
امر به تاسیس شورای ملی نمودیم و نظر بر این اصل است
هریک از افراد انامالی در تصویب و نظارت عموم علی قدر توان
محق و سپهسالار
تشیخ و تعیین اجزای
مجلس را با انتخاب ملت محول داشتیم که بر طبق بنیاد
مقدمه ما افتتاح شده اصول و مواد و نظامنامه
که مشتمل بر وظایف مجلس مذکور بود و در او ابطال
بدارات دولتی است از قرار اصول شروع ذیل میفرمایم
اصول اساسی

اصل ۱ انجمن طهران لدمی بحضور حق انتخاب
داشته مشغول مباحثه و مذاکره میشوند برای ایشان در
غیبت منتخبین ولایات مناط اعتبار است
اصل ۲ اجزای شورای ملی باید در افتتاح امر تصویب
عدم تخلف از حدود خود و حفظ اصول اساسی دولت و ملت
مطابق قانون شرع و عرف قبل از شروع بکار متعهد
شده بر ذمه گیرند **اصل ۳**
کسی بی هیچ عنوان و دست آور بدون اطلاع مجلس
متعرض اعضای او نباشد اگر اچنانیکه از اعضا ترکب
و جنایتی و سب و توهین یا بیعت شود در ضمن ارتکاب
شود باید اجزای سیاست در باره او با اجازه و تصویب
مجلس باشد **اصل ۴** مذاکرات مجلس از
برای آنکه نتیجه آنها باید بموقع اجرا گذارده شود باید علنی باشد

اصلا روزنامه نویسی ماشاکی مطابق مشایخ
داخل مجلس حق حضور و استماع مذاکرات دارد بدون
آنکه حق نطق داشته باشد تمام مذاکرات مجلس باید در اورا
رسی شهر بطبع رسیده حائمه پس از مذاکرات رسمی و
تفصیل مجلس مطلع باشند هر کس حرفی دارد
موافق یا مخالف بدون ملاحظه حق اظهار دارد و هیچ
کسی سئو نخواهد ماند لهذا عموم روزنجات
مادامیکه مندرجات آنها محل باصلی از اصول اساسی دولت
و ملت نباشد مختار و مجازند که مطالب ابایرادات خلق
بر آن بطبع رسانند

سید شهباز

امروز دو نفر بجهت قرار مرافقه متخرب بودند جنابان شهباز
عمدتی و علما آقا میرزا محمد علی رنجانی و آقا سید محمد باقر
سدهی و قارائیت که اگر مرضی الطرفین نشد در باره
اشخاصی از علما که محل اختلاف طرفین است قرعه برتند
هر کس اسم او از قرعه درآمد مجتوم است

سرکار جلالتهم ار حاجی سید الملک بر حسب حضار ایام
سابقه حاضر شده که نشی او ملا حاجی بابا ادا داشت
یعنی ترافع محض انور عماد الاسلام حاجی شیخ جمال
متخرب شد در اخر مجلس اطفال مدرسه ایمانیه سخن آید
در کناری صف زدند و یکی از آنها خطبه و لایحه باصوت
شیرین و سخن خربین قرائت کرد که اهل مجلس از حیث
آن گریستند و اسکن حمت و غیرت از دیده بختند

صورت خطبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله الذي نور فلوننا بنور العالمين
واضنا عيوننا بضيء الهدى والنجاة والصلوة

علی صاحب الفقان الی الطیبین الذین یحبونهم
از لغت الجفان در رو غر مدح و ثنا و جواهر زوا
شکر و دعا از ثوبا و کان ایمان و نوبا و های ایمانیا
نوا آموزد رسته مبارکه ایمانیه تقدیم چمن معدلت و سلیم
انجن مشورت الی ملت باد اصبر ولیلا فبعل العیسر
وکل امره وقت و تدبیر و اللیهمین فی حالاتنا نظر
و فوق تدبیرنا لله تقدیر که آفتاب معدلت علی حضرت
بر کشور مالغ تا بید و سحاب کمرت شیر یاری بر کشت ابر
وزندگانی ما بارید دولت قاهره معاضد ملت باهره که دیدن
انکه احکام شریعت مندرسین اعلام حقیقت منطرح شده و
اسلام حضرت خیر الانام مجرور و بی نور افاده حال آنکه حضرت
حق تعالی مرتبت مهجستین نور چشم خود حضرت سید شهباز
بروشینانی این نور چشم دیگر که اسلام آفا که در این
دوران و جزو زمان از همین اسلام مانده نخستین نور چشم
حضرت خیر الانام صدای بل من ناصر هوید او ندای و غربت
اشکارا و اگر کوشش شما باشد از صلاب و ارحام اهل
نامه اطفال از ظلم کفار و جور فجار برپاشده که ناکا صبح
بشارت از افاق اشارت حضرت تقی مدعی محل الله تعالی
در کشور عالی وطن بید انکه که شام غم و محنت بس آمد
خورشید نشاط از افاق قدح آ کونی که بمقتد الارض تبدیل
آن دور جهان رفت و جهاد کرد و ایمانیا را بمقادیر هم
شوری بنهم در تربیت وطن وفاق و مضمون آشد علی الکفا
دعاییدهم در ترویج قانون ملت اتفاق اقا دود انفا و جزو
ما پاشد تا در انجام سال خوردگی پرورده معدلت از موده
تربیت باشیم در حقیقت عمده نفع آن متوجه حال کودکان
پسران ای پدر حسی و معنوی ما که شبانه روز چند مرتبه بگویند
یا لیتنا کما معک و پیوسته اظهار تافت و تهنیت در اینک

۶

نور چشم پیغمبر میسر شود. بل من صد دوره دوران زمان مبارک را
 تا خیر انداخت و در کنگره دید که استخاره نور دیده حضرت خمینی
 را البتیک گویند و اجابت نماید الساعه نور چشم ارجمند حضرت
 سید الانام که سلام اصدایش بر تنعانه بند است شمار بسیار
 پس که در ادعا خود صادقانه از جان اول بگویشید تا بگویم
 آنرا نبوئید **ایک چاه رفت و در خواب**
 مگر این چرخه دریایی بلکه چند کاهی که نفس نفس شامان
 رفاهت درک نماید و بمان حال تعال فرماید
 البته که فرودم و بدیدیم این مجلس شوری و طبیب سیدیم
 پس در معصوم معصوم را در کاه حضرت که بلند نایم بقا
 و سید است مجلس مقدس شوری اخلال و استیفاء جزئی
 آنرا در خوابیم **بارا که علم اسلام ضعیف و قلب اسلام**
 خفیف خفاده مجلس شوری رهنر قتی و اجزای آنرا قتی ده
 این بنای عدل احسانا ابد نمود دیدگاه عدای بن نبوئید
 دولت اعلی حضرت شهر باری اروا خا خا راه را پانیده دار
 حضرت شرف مجد و اطل السلطان دمت شو که را مخطوط فرما
 وزیر تریا سید علمای اعلام دایر کاتیم نیز استیما حضرت محمد اسلام
 و حضرت ثقه الاسلام دهم ظلمت را مویید منصور فرما
 چندی است که جناب مین اهل علم آقا شیخ نجیبی بدیر ما را نهاد
 حوزه بانک ملی تجارت و بخدمت آن اشارت فرمایند اندام مبلغ
 یکصد و پنجاه تومان را از لوازم خود درین جهت و برای تربیت
 جمع آوری نموده که توسط جناب مدیر مجل اخذ و خور بانک ملی
 تا بلیط بانک ملی خریداری شود **مستعدی هستم از بیاری**
 وطن که هر کس بخواهد دنیوی و عاذه اخروی آن و **تشریح**
 استطاعت سعی نماید که انشاء الله بولم نفع لانا **بسیار بوده**
 در انبوی حضرت ثقه الاسلام خلقی انضمام ده تومان **بسیار**
 عطا فرموده و چون از دیگران هم مترصد اعانه بودند **کفایت**

تقلید طران شود ثقه الاسلام فرمودند تقلید در امور خیر
 سزاوار است انجمن هم تقلید طران است پس اجزای آن
 برخواستن تنفر نمند چو کاشتر لایح اطفال نیت و کلام
 معاونت بانک ملی است که صندوق ثروت و سرمایه
 ملت و جالب انواع صناعات و سهولت معاملات و آباد
 املاک و اجراء میاه و قنات و تونل کاسب و استخراج
 و انتشار معارف و غیره و هر گونه اقدار و اقهار آن حاصل
 طلا و نقره را با کمتهای خارج بردند و کاغذهای بی اعتبار
 در عوض داده اند که اگر ورست شوند یک سنگارین
 اگر بدولت انگلیس و ایران آراء کنیم و استیفا **طیلم**
 این پولهای بیگار که با دار جمعیان و بانک انگلیس
 و بانک نفع اکتفا می شود اگر بیایک ملی داده شود **نقار**
 اش چندین برابر است و اجسادش اینکه تمام ملت بان
 خط و حرارت دارد و ملک را در زهرت و آبادی **رنگار**
 مرتبه منظمه عالم خواهد کرد آنچه فریب خارج را خوردیم
 اکنون باید ملای مافات و مدارک ما به آنتانیم کونین
 کشیان (پرستان) که برای تبلیغ دین تبلیغی
 پراکنده اغلب جهانند اهل چین ادعوت میگردند **جواب**
 شنیدند که دین شما مانند تجارت شما است چنانکه
 تریاک را در ملک آوردید و حیات جهانی ما را سلب کرد
 همین طور دین شما ما را حیات خواهد بود **بل انسان**
 از خیزی که ضرر دید دیگر پیر من آن نمیکرد **خطان**
 کزیده ما بر سر زریسمان ری چشیده زهر بداند **حزار**
 و ما از این راهی خوش خط و خال هر چه پیشتر **سوم**
 میسر میرویم و نزدیکتر می شویم اگر عقل و تدبیر **سبب**
 ملکی و اتحاد میان خود اهل مملکت باشد در **سبب**
 تطاول و تناول آنها را قطع کرد و ملی **افوس** که در **ملکی**

۷

خدا یا لایحی لا موزالینک اشکو از افراتق طرد و
 نفاق انالی در صد وضعت یکدیگر بودن دشمن غلبه میکند
 و دزد و بیدار آگاه سرایه را میر باید خارجه دزد با علم پستند
 چه دزدی با چراغ آید کزیده تر بر دکالا ایران چین و سایر
 قطعات بر آید در یک خطر ملتکی خارجه واقعه ولی محمد
 که در این وقت خورشید عیم الا شراق تمدن بر همه آسیا
 تابیده و همسایگان این بروسیج در یکدور بیدار شدند اما
 (ژاپن) که جزیره است از آسیا در یست تمدن علی نائل
 مملکت چین هم مقارن ایران در صد در آمده که خاقان
 تمام اقطار ملک خویش انامان آزموده و مجال مجامع طلبیده
 که در پکن حاضر شده در انعقاد انجمن ای بدهند و ساسی پنا
 نمایند و بر این دهه مینگار د که هر گاه چینیان در
 قانون مملکت و اساس مشروطیت استدا کتند پیش
 بر ندرسته پلنگار و پار آسیا منقطع خواهد شد و نیز از برای
 ترک تریاک در خاک خود تریقی داده که تا ده سال دیگر تریاق
 عادت خلیفه کند شود که دانشندان ایران اینها شان این
 از اعظم تکالیف انسانیت است چه ضرر دارد که انجمن اصفهان
 و مذاکره این جایه عمومی از دیگر بلاد سابقه نمایند و بشا
 ترتیب علاجی خداوند العا فرماید که همه اهل مملکت از آنها دست
 بگیرند و منشور بخوانند و باین تقاضا ابد آفتابهای و سر بلند
 همچنین در سایر مواد همه هر گاه صرف فکر و نظر وقت فرمایند
 و برای صائب رفح متاعب کنند برادران سائر بلاد بجا
 اتمان پسریند زیرا که احکام نقل سلیم و فطرت تقیم کی
 شایع کل هر جا که میروید کل است **فصل مجلس**
 خانه اسد الله زرگر را بحکم انجمن سلیمان خان تصرف داد
 و حضرت آقا اسلام در اقطار او مرقوم فرموده اند
 انخاقان شیخ مت سر کاوی اول ما موریت که در

مجلس استر داد خانه منصوبه را بر حسب دستخط مبارک
 و حکم مجلس نموده و اقیار السابقین را بوده

تقریه کتلیت

معموم ملت و قاطبه رعیت بدرد شاه شاه عادل
 باذل را تقریه دار و مصیبت شعارند این پادشاه
 با علی مدارج قنوت و تقی معارج کرم و انسانیت نائل
 کشته میوه رسیده فردوس گردید روح پاک و
 روان لمعه ناکش را سلاطین با صیبه استقبال نموده
 و بر صدر متعابله غر مستقر و بر آینه یالیت قومی

یعلون فبریک

جلوس سمیت مانویس سلطان و ملک دوران ا
 صدای تبریک و شفا و نوای یخت و دعا از تمام
 عالمیان بلند و آشکار است علامت خویش نجی این
 پادشاه جوان بخت اینکه خوان بیط عدل و بساط
 محیط تمدن بجه تیر نفس کسره که از اول قدمی که بجان
 داری میکند وارد در دوره عدل و ترقی میباشد که عدل است
 پاسبان سلطان او همی دانست کان کو عادل است
 فارغ است از واقعه این دل است عدل باشد پاسبان
 کاها نی لبش چوبک زمان بر باها در پیشگاه
 منبع و درگاه رفیع اعلی حضرت عدالت کسرت پوشیده
 منیت که رعایای ایرانی در شاه دوستی و سلطان
 پرستی معروف و نامرود همه جهانند دست دعا و تمنای
 رعایا خیر خواهی و صلاح اندیشی سلطان است
 دکامشان این است که فرق تا حیدار در ابهت و اقدار
 بقعه گردون ساید و میامن میانش از منطقه
 فلک اعلی برتری جوید